

# نوجوانی پاییده بزهکاری

دکتر عباس صادقی - استادیار گروه علوم تربیتی (مشاوره)،

دانشگاه گیلان

حسن حمیدی - عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی

دانشگاه گیلان

## مقدمه:

یکی از مسائل پیچیده‌ی عصر حاضر که توجه بسیاری از محققان و صاحب‌نظران را به خود معطوف داشته است، موضوع مجرمین در سنین پایین و نوجوانان بزهکار است. متأسفانه این پدیده، به ویژه در کشورهای دارای سطح اقتصادی پایین، از گسترش چشمگیری برخوردار است. سؤالی که در این جا قابل طرح است این است که آیا اقدامات کشورهای مختلف در زمینه‌ی مبارزه با جرائم نوجوانان بزهکار، بر اصولی صحیح و درست استوار است؟ آمارها نشان می‌دهند که به رغم بهبود وضع زندگی و ازدیاد سریع مؤسسات و خدمات اجتماعی در اکثر کشورهای جهان، جرائم ارتكابی نوجوانان با سرعت و آهنگ بیش‌تری افزایش می‌یابد. آبراهامسن<sup>۱</sup> (۱۳۷۱) معتقد است که ریشه‌های اصلی بزهکاری را باید در کل حیات اجتماعی و نوع خاص روابط انسانی جست و جو کرد.

انواع نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی از قبیل فقر، تورم و گدایی، بیکاری، فقدان امنیت مالی و حقوقی و سایر عوامل محرومیت‌زا، زمینه‌ی مساعد برای ارتكاب جرم را فراهم می‌کنند. از طرف دیگر ماهیت ارزش‌ها و ضوابط فرهنگی حاکم بر جامعه که به‌طور فرضی همبستگی گروهی و صبر و تحمل فردی را تشویق می‌کنند یا بر موفقیت مادی و منافع فردی تأکید می‌ورزند، انگیزه‌های لازم را برای زیستن در حریم قانون یا به عکس، درگیری‌های مجرمانه فراهم می‌کنند. بعضی علت ارتكاب جوانان به گناه را، از



اختصاصات جوامع پیشرفته و متمدن امروزی دانسته‌اند و اعتقاد دارند که بشر با همان سرعتی که به سوی پیشرفت و تکامل صنعتی و مادی پیش می‌رود، از معنویات فاصله می‌گیرد و به سوی تبه‌کاری و ارتکاب جرم روی می‌آورد.

### تعریف بزهکاری

آبراهامسن (۱۳۷۱، ص ۸۵) بزهکاری را عبارت از هر عاملی می‌داند که مانع رشد سالم کودکان از نظر جسمانی و عاطفی شود. این عامل ممکن است باعث ایجاد یک طرح و الگوی اختلالات عاطفی گردد که همیشه ریشه‌ی رفتارهای ضد اجتماعی یا مجرمانه است. این رفتار، هرگاه توسط نوجوانان صورت گیرد، بزهکاری نوجوانان خوانده می‌شود. او معتقد است که بزهکاری نوجوانان مجموعه‌ای از عوارض است که جنبه‌ی بالینی ندارد و او این اصطلاح را از این جهت به کار می‌برد که دلالت بر طرح و الگوی خاصی از رفتار دارد که ضد اجتماعی است و قانون آن را مجرمانه و قابل مجازات می‌شناسد.

فرجاد (۱۳۶۳، ص ۱۶۹) معتقد است اقدام به عملی که بر خلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای فرهنگی هر جامعه باشد، در آن جامعه بزهکاری یا جرم تلقی می‌شود و کسانی که مرتکب چنین اعمالی می‌گردند مجرم یا بزهکار نامیده می‌شوند. در برخی موارد می‌توان آن‌ها را افراد قانون شکن گفت؛ یعنی کسانی که از قانون تبعیت و پیروی نمی‌کنند، چگونگی وضع قانون را نمی‌شناسند یا به اصالت وضع قوانین معتقد نیستند. منصور (۱۳۷۵، ص ۵) تصریح می‌کند که جنایتکاری و بزهکاری از نظر حقوقی دارای مفاهیم روشن و معینی‌اند و در واقع قوانین آن‌ها را دقیقاً تعریف می‌کنند. رابین<sup>۲</sup> (۱۹۴۹) اظهار می‌دارد که بزهکاری چیزی است که قانون می‌گوید. بین جنایتکاری و بزهکاری از لحاظ معنی و مفهوم تفاوتی نیست، فقط تفاوت در این است که بزهکاری به ارتکاب جرم‌هایی اطلاق می‌گردد که در کم‌تر از سن معینی به وقوع پیوسته‌اند. تعیین میزان این سن به دست قانون است و بر حسب جوامع مختلف متفاوت می‌باشد. لطف آبادی (۱۳۸۰، ص ۱۸۴) بزهکاری نوجوانی را نوعی خشونت و خلافکاری غیرقانونی در بین نوجوانان زیر ۱۸ سال می‌داند که هنوز به سن قانونی بزرگسالی نرسیده‌اند. مهدی کی‌نیا (۱۳۷۰، ص ۵۲۹) در مورد شبه بزهکاران

چنین توضیح می‌دهد: دی تولیو<sup>۳</sup> در ذیل نام بزهکاران اتفاقی محض، اصطلاح شبه بزهکاران را به کار می‌برد. این گروه کسانی‌اند که مرتکب جرائم غیرعمدی می‌شوند. یا در اثر رعایت نکردن آیین‌نامه‌ها یا غفلت اتفاقی یا بی‌اطلاعی، جرمی از آن‌ها سر می‌زند یا آن که اصولاً بر حسب اتفاق یا تصادف سریع یا خطای موضوعی یا برای اعمال یک حق، یا انجام دادن یک تکلیف، یا بر اثر اضطرار مرتکب جرمی می‌شوند. این اشخاص را نمی‌توان بزهکار راستین نامید.

### علل و عوامل بزهکاری

در مورد بزهکاری علل فراوانی را می‌توان متصور شد. رشیدپور (۱۳۶۹) می‌گوید بزهکاری یک نوع رفتار خاص نیست، بلکه گستره‌ای از رفتارهای متعدد است و شاید نتوان برای آن علت واحدی پیدا کرد. به بیان دیگر، بزهکاری از علل مختلفی به وجود می‌آید. گاهی وجود عوامل مختلف می‌تواند نوعی از رفتار بزهکارانه را باعث شود و گاهی نیز انواع مختلفی از رفتارهای بزهکارانه ممکن است از عوامل مشابهی ناشی گردند.

در باره‌ی علل بزهکاری نظریه‌هایی وجود دارد. نظریه‌ای می‌گوید بزهکاری همانند انواع شرارت‌ها نتیجه‌ی محدودیت‌های شدید کودک است.

نظریه‌ای دیگر اظهار می‌دارد که بزهکاری حالتی از عصیان است و این عصیان برای طلب چیزی نیست، بلکه تخلیه‌ی آن است. برای مثال نوجوانی که فقدان مهر و محبت را از جانب اولیای خود حس کند، به سرکشی روی می‌آورد. نظریه‌ی دیگری می‌گوید علت بزهکاری نوجوانان پسر شاید به عدم موفقیت آنان در همانندسازی خود با آن چه اصطلاحاً الگوی قدرت مردانگی خوانده می‌شود، مربوط باشد.

اریکسون معتقد است هویتی را که نوجوان و جوان درصدد است تا به طور روشن با آن مواجه شود، این است که او کیست و نقشی که در جامعه باید ایفا کند، چیست؟ اگر این هويت با شکست مواجه شود، بحران حاصل می‌شود و احتمال سردرگمی و آشفتگی در شکل‌گیری هویت به وجود می‌آید که نتیجه‌ی آن بزهکاری است.

مساواتی آذر (۱۳۷۴، ص ۳۱۱) در مورد علل بزهکاری

معتقد است که عامل اصلی بزهکاری، پدید آمدن شرایط نامناسب است. زیرا در نتیجه نامناسب بودن محیط خانواده، ترس و ناامیدی کودکان شدید می‌شود و وجود ترس و ناامیدی، محبت و سازش را از بین می‌برد و ناسازگاری را تشدید می‌کند. بنابر این می‌توانیم بگوییم که یکی از علل اساسی ناسازگاری این نوجوانان، ترس و ناامیدی از آینده می‌باشد و شرایط نامناسب خانواده نیز یکی از عواملی است که تعادل روانی اطفال و جوانان را مختل کرده، مانع تفاهم و سازش اجتماعی آن‌ها می‌گردد. پس به نظر می‌رسد که عکس‌العمل‌های روانی در حقیقت ناشی از تأثیر محیط غیرعادی و نامناسب زندگی باشد. به عبارت دیگر، میان

عقدده‌های روانی و بزهکاری وقتی رابطه‌ی علت و معلولی برقرار می‌شود که با محیط نامناسب توأم گردد. حکمت (۱۳۷۴، ص ۲۸) در مورد علل بزهکاری از دیدگاه لمبروزو<sup>۴</sup> دانشمند ایتالیایی، چنین توضیح می‌دهد که این دانشمند عقیده به فطری و مادرزادی بودن بزهکاری داشته است. علاوه بر این، وی پاره‌ای از بیماری‌ها مانند صرع را در ردیف علل و زمینه‌ی بزهکاری می‌دانست که البته امروزه این نظریه به کلی مردود می‌باشد. ولی آن چه مسلم است این است که بررسی‌های وی راه مطالعات روان پزشکی و روان کاوی را هموار ساخت و توجه بسیاری از دانشمندان را به مسئله‌ی بزهکاران و حدود مسئولیت آنان برانگیخت و نیز باعث شد که در مورد تبهکاری مطالعات علمی، فنی، پزشکی و اجتماعی دقیق‌تری انجام گیرد.

شامبیاتی (۱۳۷۷، ص ۱۵۰) هم در مورد علل بزهکاری می‌گوید: دو علت عمده برای بزهکاری نوجوانان وجود دارد:

- ۱- عوامل بزه‌زای داخلی
- ۲- عوامل بزه‌زای خارجی

### عوامل بزه‌زای داخلی

برخی از خصوصیات و خصال فردی، نوجوان را به سوی تبهکاری سوق می‌دهند. این خصوصیات درونی و مربوط به شخصیت مجرم است. پاره‌ای از این صفات که جزء ویژگی‌های فردی محسوب می‌شوند، عبارت اند از: وراثت، عوامل ذاتی غیرارثی و اختلال روانی.

عوامل ذاتی غیرارثی شامل موارد زیر است:

- الف - عوامل مربوط به دوران حاملگی، شامل: سوء تغذیه‌ی مادر، سن مادر، تأثیر داروهای شیمیایی، تأثیر الکل و مواد مخدر، بیماری‌های مادر در دوران بارداری، حالات هیجانی مادر و تأثیر تشعشعات رادیو اکتیو.
- ب - عوامل مربوط به دوران زایمان.

### عوامل بزه‌زای خارجی:

#### بخش اول

مشکلات ناشی از زندگی خانوادگی است، شامل:  
الف) آلودگی‌های خانواده که خود زیر مجموعه‌های زیر را در بر می‌گیرد:





مطالعات اجتماعی انجام شده نشان می‌دهد بسیاری از بزهکاران در واقع آسیب دیدگان بهنجار یک جامعه‌ی نابهنجارند. یعنی افرادی از نظر روانی طبیعی و بهنجارند، ولی چون جامعه وضع نابهنجار دارد، آن‌ها دست به بزهکاری می‌زنند.



شرح زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت:

۱- معیار اجتماعی و فرهنگی

۲- معیار جسمانی

۳- معیار عقلی

۴- معیار انفعالی و مزاجی

تجزیه و تحلیل برخی از مدارک مربوط به این تحقیق نشان نداد که میان جوانان مجرم و گروه شاهد فرقی وجود دارد. اما بسیاری از مدارک دیگر حاکی از این تفاوت بود و

۱- بزهکاری یکی از افراد خانواده

۲- اعتیاد اعضای خانواده

ب) ناسازگاری و نابسامانی موجود در خانواده، شامل:

۱- تقلیدپذیری ۲- کمبود محبت

۳- اختلافات خانوادگی

ج) قیود خانوادگی، شامل:

۱- دیدگاه فرهنگی ۲- اشتغال مادر ۳- عدم حضور پدر

در خانواده

د) فقدان والدین، شامل: ۱- فوت والدین ۲- طلاق و

جدایی والدین.

### بخش دوم

مشکلات ناشی از عوامل اجتماعی است. این عوامل شامل تمام اوضاع و احوال و مقتضیات عمومی یک جامعه است که بر تمام افراد آن جامعه اثر مشترکی دارد. اتو کلاین برگ<sup>۵</sup> (۱۳۷۴، ص ۴۸۴) در مورد علل بزهکاری می‌گوید: امروزه بیش از پیش این اعتقاد رواج دارد که هیچ علتی به تنهایی برای تبیین رفتار پیچیده و متنوعی مانند جرم به طور عام و جرم جوانان به طور خاص، کافی نیست.

مطالعات بالبی<sup>۶</sup> در انگلستان و آبراهامسن در آمریکا نشان می‌دهد که این دو دانشمند به طور مسلم برای متغیرهای اجتماعی اعتبار قائل‌اند. تحقیق عمیق و کامل درباره‌ی جوانان مجرم در ناحیه‌ی برستن<sup>۷</sup> شاید بهترین نمونه‌ی تحقیق از لحاظ علل متعدد باشد. این دانشمندان ۵۰۰ پسر بچه را که در مؤسسات تأدیبی به سر می‌بردند با ۵۰۰ پسر بچه‌ی طبیعی، از لحاظ سن (۱۴ تا ۱۵ ساله)، محل سکونت (محلّه‌ی فقیر نشین)، شمار جوانان مجرم در محلّه‌ی آنان، منشأ قومی، عوامل مربوط به محلّه به طور کلی و نتایج آزمون‌های هوشی انتخاب و مقایسه کردند. اطلاعاتی که درباره‌ی این دو گروه به دست آمد، از لحاظ چهار معیار به



محققان مذکور چنین می‌نویسند: جوانان مجرم به صورت گروه معین، از جوانان غیر مجرم متمایز می‌شوند. یعنی:

- ۱- از لحاظ بدنی هیكلی عضلانی و سخت دارند.
- ۲- از لحاظ مزاج، فعال و پرجوش و خروش و از خود بیخود و درون‌گرا و ستیزه‌جو و مخرب‌اند.
- ۳- از لحاظ وضع رفتار، نامهربان، بدگمان، انتقام‌جو، ظنین، سرسخت و حادثه‌جو هستند، از جامعه طلبکارند و از قراردادها و قدرت قانونی سرپیچی می‌کنند.
- ۴- از لحاظ روانی، هر چه در دل دارند بی‌پروا و بی‌پرده می‌گویند. یعنی بیانشان رمزی و تعقلی نیست و کم‌تر به طریق منظم در مسائل تعمق و تفکر می‌کنند.
- ۵- از لحاظ فرهنگی، اغلب بیش از گروه ناظر، در خانواده‌هایی تربیت شده‌اند که فاقد تفاهم، محبت، ثبات و احساسات اخلاقی بوده‌اند. پدران و مادران نیز از راهنمایی و حمایت آن‌ها، آن چنان که باید و شاید، عاجز بوده‌اند.

ابوالقاسم اکبری (۱۳۸۱) علل بزهکاری نوجوانان را حاصل عوامل زیر می‌داند:

- ۱- **عوامل طبیعی و جغرافیایی:** وی معتقد است رفتارهای فردی و اجتماعی انسان تابع محیط طبیعی است و عامل جغرافیایی از قبیل آب و هوا در ایجاد تعادل روحی و فکری افراد مؤثر است. برای مثال کسانی که در مناطق غیرمعتدل زندگی می‌کنند، آمادگی بیش‌تری برای گرایش به انحراف از خود نشان می‌دهند.
- ۲- **عوامل اجتماعی:** مطالعات اجتماعی انجام شده نشان می‌دهد بسیاری از بزهکاران در واقع آسیب دیدگان بهنجار یک جامعه‌ی نابهنجارند. یعنی افرادی از نظر روانی طبیعی و بهنجارند، ولی چون جامعه وضع نابهنجار دارد، آن‌ها دست به بزهکاری می‌زنند.

۳- **عوامل اجتماعی ثانوی:** پارکر در کتابی تحت عنوان «قدرت و مسئولیت سینما» اظهار می‌دارد که به نظر یکی از قضات نباید تردید داشت که سینما، رادیو، تلویزیون و رمان‌های پلیسی عواملی‌اند که کودکان و نوجوانان را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهند و از هنجار دور می‌کنند.

۴- **عوامل اقتصادی:** تنگدستی اقتصادی می‌تواند از عوامل مهم ارتکاب افراد به انواع انحرافات از قبیل دزدی و انحرافات جنسی، به ویژه در نوجوانان و جوانان باشد. بالاخره محرومیت از جهات مختلف می‌تواند زمینه را برای

ارتکاب بزهکاری‌های مختلف فراهم سازد.

۵- **مهاجرت:** اکبری به استناد نتایج یک پژوهش، مهاجرت را از عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان می‌داند و چنین توضیح می‌دهد: مهاجرت عبارت است از نبود خانواده و کنترل والدین بر اعمال فرزندان که به تنهایی مهاجرت می‌کنند. وجود تعارض فرهنگی بین مبدأ و مقصد مهاجرت، بیکاری یا اشتغال کاذب سرپرست خانواده یا نوجوان در مقصد مهاجرت، سکونت در مناطق فقیرنشین و زندگی در مکان‌هایی که خود منشاء و اساس بسیاری از بزه‌ها به شمار می‌آیند، از عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان‌اند.

۶- **عوامل خانوادگی:** نظیر تبعیض، خشونت، لوس کردن و توجه بیش از حد والدین، عقب ماندگی خانوادگی، از دست دادن والدین، عدم حضور والدین در خانواده، انحراف والدین، شمار افراد خانواده، وجود ناپدری یا نامادری و بالاخره ارزش‌های تربیت خانوادگی و طلاق.

۷- **بازداشتگاه‌ها:** نوجوانان و جوانانی که به عللی دچار انحراف می‌شوند معمولاً در بازداشتگاهی که بزرگ‌ترها و گاهی افراد دارای سابقه‌ی کیفری و بزهکاری در آن حضور دارند، نگهداری می‌شوند. یعنی در جایی زندانی می‌شوند که خود می‌تواند کلاس درسی برای آموزش فنون خلافکاری باشد.

اصلاحی (۱۳۵۲، ص ص ۳۴۰ - ۳۳۹) بیان می‌دارد که مقررات قوانین جزایی فرانسه را در مورد رژیم زندان اطفال بزهکار، در چند قسمت به شرح زیر می‌توان ارائه کرد:

- ۱- نگهداری نوجوانان باید در زندان انفرادی باشد، یا لااقل در هنگام شب در سلول‌های انفرادی به سر برند.
- ۲- محل نگهداری نوجوانان باید از اطفال نابالغ جدا باشد.

۳- از بیکاری نوجوانان باید جلوگیری شود.

۴- نوع کار نوجوانان نه تنها باید با توجه به استعداد جسمانی، روحی یا حرفه‌ای آن‌ها انتخاب شود، بلکه باید تأثیر نوع کار را در اصلاح و تربیت آنان در نظر گرفت. کانون اصلاح و تربیت اطفال بزهکار در ایران به موجب مقررات قانون تشکیل دادگاه نوجوانان، رسیدگی به جرایم اطفالی را که سن آن‌ها بیش از شش سال تمام و کم‌تر از هیجده سال تمام است، در صلاحیت دادگاه اطفال دانسته، مطابق تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۴ قانون مذکور، هر گاه قبل از شروع رسیدگی یا

در حین رسیدگی، سن طفلی از ۱۸ سال تمام تجاوز نماید، باز هم رسیدگی به اتهام او در دادگاه اطفال صورت گیرد.

### بزهکاری نوجوانان

بزهکاری در اجتماع ابتدا دامن گیر گروه سنی نوجوان و جوان می‌شود. گروه‌های سنی مذکور به استناد آمار منتشر شده توسط مقامات ذیصلاح، بیشترین مرتکبین بزه‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند. احدی (۱۳۷۶) اظهار می‌دارد بنا به گزارش آمارهای انتشار یافته توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تنها در سال ۱۳۶۲ جمعاً ۵۱۳۲۲ نفر در سطح کشور در گروه سنی ۱۶ تا ۳۰ سال در ارتباط با جرائم گوناگون بازداشت شدند. همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد با وجود بهبود وضع زندگی و خدمات بهداشتی در جهان، میزان جرائم ارتكابی نوجوانان با سرعت بیش‌تری رو به افزایش است و در هر جامعه‌ای نیز نوع آن‌ها با جامعه‌ی دیگر فرق دارد. برای مثال، در کشور ما حدود ۳۰ نوع بزه در میان نوجوانان رایج است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: دزدی، نافرمانی، گریز از مدرسه، ولگردی، معاشرت با افراد ناباب، ضرب و جرح، مزاحمت و تخریب. لطف آبادی (۱۳۸۰) از میان انواع جرائم ارتكابی نوجوانان، فرار از منزل، دزدی، ضرب و شتم، خرابکاری، رفتار وحشیانه، مصرف الکل و مواد مخدر، روسپیگری، لواط،

هتک حرمت، قاچاق و قتل را نام می‌برد و این نشانگر سرعت پیشرفت و افزایش بزهکاری است. باید خاطر نشان کرد که بزهکاری نوجوانان و جوانان در کشور ما (از مدرسه‌گریزی تا فعالیت‌های گروه‌های عصیان‌گر) غالباً دارای ویژگی‌های عمومی است. در این ارتباط سازمان ملل گزارشی تحت عنوان شکل‌های جدید بزهکاری نوجوانان انتشار داده است که از آن گزارش این طور استنباط می‌شود که «سرکشی» یکی از موضوع‌های اساسی جوانانی محسوب می‌شود که عمدتاً خانواده‌هایشان دچار از هم پاشیدگی، الکلیسم، لاقیدی نسبت به مذهب و فقدان نظم و انضباط‌اند.

شامبیاتی (۱۳۷۷، ص ۱۱) بزهکاری نوجوانان را به سه بخش تقسیم می‌کند:

بخش اول جرائم بر ضد اشخاص است که شامل اعمال منافعی عفت، ایراد ضرب و جرح عمدی یا غیرعمدی است. بخش دوم جرائم بر ضد احوال است که شامل:

الف) سرقت کودکان و نوجوانان

ب) جرائم خرابکاری و ایجاد خسارات مالی است.

بخش سوم جرائم بر ضد نظم عمومی جامعه است که شامل: الف) اعتیاد به مواد مخدر و توزیع آن. ب) گدایی و ولگردی و ج) جرائم منکراتی است که عبارت‌اند از: ۱- بی‌حجابی و بدحجابی ۲- استفاده از موسیقی مبتذل ۳- برگزاری مجالس لهو و لعب و شرکت در آن‌ها.

زمان دانش (۱۳۷۲، ص ص ۳۶ - ۳۵) معتقد است

انواع جرائمی که نوجوانان مرتکب می‌شوند بنا به علل و انگیزه‌های ارتكاب جرم، با بزرگسالان به شرح زیر متفاوت است:

۱- در سراسر جهان، سرقت مهم‌ترین رقم جرائم ارتكابی نوجوانان را تشکیل می‌دهد.

۲- ضرر و زیان رساندن به غیر و تخریب، از جرائم خاص نوجوانان است.

۳- تخلفات راهنمایی و رانندگی نوجوانان بیش از بزرگسالان است.

۴- نوجوانان کم‌تر مرتکب قتل می‌شوند.

۵- توسل به زور و حيله و تزویر برای ارتكاب جرم در نوجوانان کم است.

۶- نوجوانان غالباً دسته جمعی (دو یا سه نفری یا بیش‌تر) با تشکیل گروه (باند)، به طور اتفاقی و گاهی از روی

### وجود تعارض فرهنگی بین

مبدأ و مقصد مهاجرت، بیکاری یا

اشتغال کاذب سرپرست خانواده

یا نوجوان در مقصد مهاجرت،

سکونت در مناطق فقیرنشین و

زندگی در مکان‌هایی که خود

منشاء و اساس بسیاری از بزه‌ها

به شمار می‌آیند، از عوامل مؤثر

در بزهکاری نوجوانان‌اند.



غالباً ناخودآگاه است رنج می‌برند. این تضادها از ناتوانی این افراد در ایستادگی در مقابل فشار سائق‌های غریزی خود و جامعه، ناشی می‌شود.

۲- تعارض درونی باعث ایجاد عوارض روان‌نژندی یا تظاهرات ضد اجتماعی می‌شود که هر دو معلول برداشت‌های غیرمنطقی عاطفی است. شخص روان‌نژند همیشه برداشت‌های غیرمنطقی خود را که تحت تأثیر عواطف به وجود آمده، بروز می‌دهد و این برداشت در اکثر افراد بزهکار نیز دیده می‌شود.

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

- 1- ABRAHAMSON
- 2- RABIN
- 3- DE TOLIO
- 4- LOMBERSO
- 5- AUTO CLINE BERG
- 6- BOLBY
- 7- BRESTEN

منابع:

- ۱- آبراهامسن، دیوید: روان‌شناسی کیفری، ترجمه‌ی پرویز صانعی، انتشارات احمدی، تهران ۱۳۷۱.
- ۲- حکمت، سعید: روان‌شناسی کیفری، انتشارات گوتنبرگ، تهران ۱۳۷۴.
- ۳- زمان دانش، تاج: اطفال و جوانان بزهکار، انتشارات مؤسسه‌ی تهران تایمز، پاییز ۱۳۷۲.
- ۴- شامیاتی، هوشنگ: بزهکاری اطفال و نوجوانان (با تجدیدنظر و اضافات)، انتشارات ژوبین، تهران ۱۳۷۷.
- ۵- شیخاوندی، داور: آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ بهمن، مهرماه ۱۳۵۰.
- ۶- صلاحی، جاوید: کیفرشناسی، انتشارات آموزش، مهرماه ۱۳۵۰.
- ۷- فرجاد، محمد حسین: آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، اصلاح شده‌ی کتاب جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل اجتماعی از منشورات دانشگاه تربیت معلم، انتشارات بدر، بهار ۱۳۶۳.
- ۸- لطف آبادی، حسین: روان‌شناسی رشد (۲) نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، نشر لیلی، ۱۳۸۰.
- ۹- منصور، محمود: زمینه‌ی بررسی بزهکاری کودکان و نوجوانان، نشر چهر، تهران ۱۳۷۵.
- ۱۰- کی‌نیا، مهدی: مبانی جرم‌شناسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، آبان ۱۳۷۰.
- ۱۱- مساواتی آذر، مجید: آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات)، انتشارات بونل، ۱۳۷۴.
- ۱۲- کلاین برگ، اتو: روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه‌ی علی محمد کاردان، جلد دوم، تهران ۱۳۶۲.
- ۱۳- اکبری، ابوالقاسم: مشکلات نوجوانی و جوانی، نشر ساوالان، ۱۳۸۱.

کنجکاو و ضمن شوخی و تفریح، بدون اطلاع از نتایج اعمال خویشتن و قوانین و مقررات، مرتکب جرم می‌شوند.

۷- تکرار جرم در بین نوجوانان چندان زیاد نیست.

۸- شمار دختران بزهکار نسبت به شمار پسران مجرم خیلی کم است.

## شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین شخص روان‌نژند و شخص بزهکار

آبراهامسن (۱۳۷۱، صص ۱۶۱-۱۵۴) در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های بین افراد روان‌نژند و بزهکار توضیحات مفصّلی داده است که در زیر به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

تفاوت‌ها:

۱- شخص روان‌نژند از طریق عوارض عاطفی و جسمانی تضاد درونی خود را بروز می‌دهد و این عوارض را غالباً علیه خود به کار می‌اندازد، در حالی که بزهکار در غالب موارد پرخاشگری خود را متوجه جامعه می‌سازد.

۲- بزهکار می‌کوشد تا تمایلات مجرمانه‌ی خود را، حتی به صورت نمادین، ارضا کند و معمولاً حاضر به چشم پوشی از این تمایلات نیست. در مقایسه، شخص روان‌نژند غالباً احساس گناه می‌کند.

۳- شخص روان‌نژند از تضادهای درونی که اساساً ساخته‌ی خود اوست، رنج می‌برد. در حالی که بزهکار ظاهراً دچار تضاد درونی نیست، زیرا خود را قانع کرده است که کلیه‌ی مشکلاتی که با قانون دارد، از محیط خارج سرچشمه می‌گیرد. یکی از علل فقدان احساس رنج در بزهکار، آن است که او غالباً قادر به تحمل اضطراب نیست. بنابراین نمی‌تواند به خود اجازه دهد که خود را تا حد رنج بردن، ناراحت کند. به این ترتیب اجباراً احساسات اضطراب‌آمیز خود را فعلیت می‌بخشد و مرتکب رفتارهای مجرمانه می‌شود. عدم توانایی بزهکار در تحمل اضطراب زیاد و احساس او که به کمک کسی نیاز ندارد، درمان او را بسیار مشکل می‌سازد.

شباهت‌ها:

۱- شخص روان‌نژند و فرد بزهکار هر دو از تضادهایی که